

## خدا شناسی در دعای عرفه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا\*

### اشاره

دعای عرفه حضرت سیدالشهدا علیه السلام دربرگیرنده دریایی از معارف الهی و اسلامی و دلایل و براهین خداشناسی و توحیدی است و عالمان بزرگ در این باره سخن‌ها گفته و مطالب و نکات مهمی را ارائه فرموده‌اند.<sup>۱</sup> این نوشتار به مسئله «خداشناسی با برهان فطرت» با توجه به دعای نورانی عرفه می‌پردازد؛ چراکه حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دعای عرفه، براهین مختلف توحید و خداشناسی را به روشنی بیان فرموده است؛ از برهان صدیقین<sup>۲</sup> گرفته تا برهان نظم،<sup>۳</sup> برهان حدوث،<sup>۴</sup> برهان تمانع،<sup>۵</sup> برهان حرکت<sup>۶</sup> و

\* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. از جمله در کتاب‌های: ۱. مظهر الغرائب، تألیف سید خلف بن عبدالمطلب (درگذشته ۱۰۷۴ ق)؛ ۲. هدایة المستبصرین در شرح دعای عرفه، تألیف میرزا احمد بن سلطان علی صدرالافاضل؛ ۳. نیایش حسین در عرفات، تألیف لطف‌الله صافی گلپایگانی؛ ۴. نیایش حسین علیه السلام در صحرای عرفات، اثر محمدتقی جعفری؛ ۵. دعای عرفه شناخت و خودسازی، تألیف عبدالکریم بی‌آزار شیرازی؛ ۶. شرح دعای عرفه امام حسین علیه السلام، نوشته محمدباقر مدرس بستان‌آباد.

۲. برهان صدیقین در دعای عرفه: «مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ وَ بِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ». ابن‌سینا نخستین کسی است که صدیقین را بر این برهان اطلاق می‌کند و می‌گوید: آیه کریمه «...أَوْ لَمْ يَخْفِ بِرُؤْيَاكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» [فصلت: ۵۳] به همین برهان اشاره دارد (اشارات، ج ۳، ص ۶۶). بر طبق آن، برای اثبات ذات باری، همین اندازه کافی است که او همه جا حضور دارد. به هر جا نظر اندازیم، هستی مطلق نمایان است و این همان برهان صدیقین است که در برخی ادعیه نیز به آن اشاره شده است. در دعای صباح می‌خوانیم: «يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ»، در دعای ابوحمزه چنین آمده است: «بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ» و در دعای مشهور عرفه نیز ذکر شده است: «كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُقْتَرِفٌ إِلَيْكَ...»؛ پس حضور خداوند در سراسر هستی، روشن‌ترین دلیل بر وجود و حقانیت اوست. علامه طباطبایی می‌فرماید: «آیه»

بالاخره برهان فطرت که در این دعا به گسترده‌گی مطرح شده است و در این نوشتار نکاتی در این باره تقدیم می‌شود.

سنایی غزنوی در ضمن قصیده‌ای غرا، به خداشناسی فطری انسان می‌پردازد و این‌گونه رازونیز را آغاز کرده است:

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی      نروم جز به همان ره که توام راه نمایی  
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم      همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

## ۱. فطرت در قرآن

قرآن کریم درباره برهان فطرت می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۱</sup> پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن؛ این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده است. دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». کلام وحی در میان راه‌های خداشناسی بیش از همه بر بیداری فطرت پاک و توحیدی انسان‌ها تکیه کرده است. مقصود از فطرت دینی یا الهی آن است که خداوند ذات و سرشت آدمی را به گونه‌ای آفریده که خداپذیر و خداخواه است؛ یعنی در حالت سلامت روح و روان، به خدا ایمان دارد.

---

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... خداوند نور آسمان‌ها و زمین است" (نور: ۳۵)؛ یعنی ظهور اشیا به نور الهی، عین وجود آنهاست و همان‌گونه که نور در ظهور خود به ظاهرکننده دیگری جز وجود خودش نیازی ندارد، خداوند نیز در ظهورش به ظاهرکننده‌ای محتاج نیست. درحقیقت خداوند از جهت ظاهر بودن خود و مظهر بودن غیر خود به نور تشبیه شده است. در این صورت، مفاد آیه با برهان صدیقین منطبق است» (سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۲۱).

۳. برهان نظم که از مهم‌ترین برهان‌های خداشناسی است، از هماهنگی اجزای جهان آفرینش بهره می‌برد. در فرازی از دعای عرفه آمده است: «الْهَى أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكُسُوةِ الْأَنْوَارِ».

۴. برهان حدوث: عالم هستی حادث و مسبوق به عدم است و هر حادثی نیازمند محدث و این محدث، خداوند واجب‌الوجود است.

۵. برهان تمانع: اگر خدایانی جز خدای یگانه وجود داشته باشند، باید زمین و آسمان به تباهی افتند؛ ولی چنین نیست؛ پس خداوند یگانه، خدای مطلق عالم است.

۶. برهان حرکت: جهان طبیعت، سراسر حرکت است. این حرکت را کششی الهی برمی‌انگیزد. غایت همه حرکت‌ها و کوشش‌ها، محبوب حقیقی است.

۱. روم: ۳۰.

گواه بر این مطلب آن است که انسان زمانی که از همه اسباب و علل طبیعی قطع امید می‌کند، به نیروی فرابشری متوسل می‌شود که می‌تواند وی را نجات دهد؛ هرچند او را با اوصاف حقیقی‌اش نشناسد.

انسان وقتی در سختی و بحران قرار می‌گیرد، همه موانع کنار می‌رود و او در وجود خود و فطرت پاک و سلیم و عاری از آلودگی‌های روحی و اخلاقی خدا را احساس می‌کند. این همان چیزی است که امام حسین علیه السلام به آن اشاره می‌کند: «مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟» آن‌که تو را از دست داد، چه یافت؟ و آن‌که تو را یافت، چه از دست داد؟». آن‌کس که تو را دارد، از عیش چه کم دارد و آن‌کس که تو را بیند ای ماه چه غم دارد

## ۲. همگانی‌بودن توحید

دیگر گواه بر فطری‌بودن خداشناسی آن است که با وجود شبهه‌های فراوان منکران خدا و تغییر بسیاری از باورهای علمی و اجتماعی در طول تاریخ، خداپرستی در همه انسان‌ها و ملل جهان ریشه داشته است. عشق به مبدأ آفرینش، خصلتی است که آفریدگار بشر در وجود او به ودیعت نهاده است. برای همین آدمی با بازگشت به خویشستن خویش و رجوع به سرشت انسانی، بدون نیاز به استدلال‌های عقلی و روش‌های علمی، از راه دل و با علم حضوری و بی‌واسطه می‌تواند به سوی مبدأ هستی جذب و در پرتو آن قدرت بی‌منتهای ازلی به ساحل آرامش رهنمون شود.

علامه طباطبایی درباره برهان فطرت می‌نویسد:

انسان هنگام ناامیدی از امور مادی به خدا پناه می‌برد. این پدیده حتی در افراد بی‌اعتقاد نیز روی می‌دهد؛ البته اگر فطرتشان سرکوب نشده باشد. امیدواری و مفاهیمی مانند آن (نظیر محبت، دشمنی و اراده) اگر طرف دومی نداشته باشد، طلب امید و مفاهیمی مانند آن اتفاق نمی‌افتد؛ بنابراین فطرت انسان علتی برتر از علت‌های مادی می‌بیند که رویدادهای مادی در آن تأثیری ندارد و آن همان کمال مطلق و خداست.<sup>۱</sup>

## مثالی زیبا

همچنان‌که گفتیم، توجه و امید به خداوند حقیقی در نهاد هر انسان است و او می‌داند این امید به موجودی واقعی و خارجی است. برای فهم بهتر موضوع، می‌توان عطش انسان و وجود آب را

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۷۲.

مثال زد که عطش هرچند محل حضورش (موطنش) درون انسان است، رابطه‌ای خارج از ذهن بین عطش و آب برقرار است و اگر کسی به جای آب به اشتباه سراغ سراب برود، خطای در تطبیق است و هرگز با این اشتباه رابطه حقیقی بین عطش و آب منتفی نمی‌شود. او با سراب هرگز نمی‌تواند رفع عطش کند، بلکه باید بالاخره به چشمه زلال آب راه یابد تا عطش درونش آرام شود.

حافظ می‌گوید:

ندهی اگر به او دل، به چه آرمیده باشی      نظری نهان بیفکن مگرش عیان ببینی  
نگزینی ار غم او، چه غمی گزیده باشی؟      گرش از جهان نبینی، به جهان چه دیده باشی؟

بنابراین خداوند در وجود انسان است که نباید در بیرون در پی آن بگردد، بلکه در وجود خود باید آن را حس کند؛ همچنان که قرآن می‌فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»<sup>۱</sup> و در وجود شما [نشانه‌هایی بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا است] آیا نمی‌بینید؟». خداوند در این آیه از ما می‌خواهد که به درون و فطرت خود نظر کنیم و وجود خدا را حس کنیم.

### ۳. بعثت و احیای فطرت

مأموریت فراگیر و عام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یادآوری این موضوع فطری بوده است: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»<sup>۲</sup> پس تذکر ده که تو فقط تذکردهنده‌ای». یعنی پیامبر یادآوری‌کننده است آنچه را در نهاد انسان وجود دارد، نه اینکه چیزی را پدید آورد و بر انسان تحمیل کند.

عبارت‌های قرآنی «فطر الله»، «صبغة الله»، «حنیف» و «رجعوا الی انفسهم» به فطرت الهی انسان اشاره دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى أَبْوَءَ يَهُودَانِهِ وَ يُنَصِّرَانِهِ وَ يُمَجِّسَانِهِ»<sup>۳</sup> هر نوزادی بر فطرت اسلام متولد می‌شود تا اینکه پدر و مادرش او را یهودی یا مسیحی یا مجوسی می‌گردانند».

هر گیاهی که از زمین روید      وحده لا شریک له گوید

امام رضا علیه السلام درباره برهان فطرت می‌فرماید: «بُصْنَعُ اللَّهِ يُسْتَدَلُّ عَلَيْهِ، وَ بِالْعُقُولِ يُعْتَقَدُ

۱. ذاریات: ۲۱.

۲. غاشیه: ۲۱.

۳. قاضی نعمان مغربی، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۱۹۰.

مَعْرِفَتُهُ، وَ بِالْفِطْرِ تَثْبُتُ حُجَّتُهُ<sup>۱</sup> از آفرینش خدا به وجود او پی برده می‌شود و با خرده‌ها شناخته می‌شود و با فطرت، برهان بر وجود او ثابت می‌شود». بر همین اساس سالار شهیدان در فرازی دیگر از دعای عرفه عرضه می‌دارد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّاً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي: خدایا، به‌سوی تو رغبت می‌نمایم و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم، اقرارکننده‌ام که تو پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست». و در ادامه تأکید می‌کند: «إِنِّي بِبِرِّكَ وَأَمْنٍ بِرَبِّكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ أَمْنًا لِرَيْبِ الْمُؤْنِ وَ إِخْتِلَافِ الدُّهُورِ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ: وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم، و مرا از خاک پدید آوردی، سپس در میان صلب‌ها جایم دادی، درحالی‌که از حوادث زمانه و رفت‌وآمد روزگار و سال‌ها، ایمنی بخشیدی. همواره کوچ‌کننده بودم از صلبی به رحمی، درگذشته از ایام و قرن‌های پیشین».

به‌یقین کسی که اشتیاق به دیدار پروردگار عالمیان در نهادش نیست، از هستی خود بهره‌ای نخواهد برد؛ چون هر انسانی بلکه هر موجودی با فطرت خود این حقیقت را می‌داند. علی‌علیه می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ<sup>۲</sup> هیچ چیز را ندیدم مگر آنکه پیش و پس و همراه با دیدن آن، خدا را دیدم». این روایت، تفسیر آیه‌ای است که می‌فرماید: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ<sup>۳</sup>: او با شماست، هر کجا که باشید».

امام حسین علیه السلام در فراز مشهور دیگری از دعای معنوی «عرفه» عرضه می‌دارد: «عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهِ رَقِيباً وَ خَسِرَتْ صَفْقَةُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حَبِّكَ نَصِيباً: کور باد دیده‌هایی که تو را پیوسته مراقب ناظر و مراقب اعمال خویش نبیند و قرین خسران باد کالای بنده‌ای که در آن از عشق تو بهره‌ای نباشد».

بچشم ظاهر اگر رخصت تماشا نیست نه بسته است کسی شاهراه دل‌ها را

#### ۴. فطری‌بودن خداشناسی در دعای عرفه

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دعای عرفه به برکات فطری‌بودن برهان فطرت می‌پردازد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّاً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي، إِنِّي بِبِرِّكَ وَأَمْنٍ بِرَبِّكَ قَبْلَ أَنْ

۱. شیخ صدوق، توحید، ص ۳۵.

۲. مرتضی مطهری، عقاید اسلامی، ج ۶، ص ۴۰۵.

۳. حدید: ۴.

أَكُونُ شَيْئًا مَذْكُورًا... أَثْمَمْتُ عَلَى سَوَابِغِ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَانِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ: خدایا، [ذاتاً] به سوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی می‌دهم. اقرارکننده‌ام که تو پروردگار منی و بازگشت من به سوی توست، ... وجودم را با نعمت آغاز کردی پیش از آنکه موجودی قابل ذکر باشم .... خداوند، نعمت‌های کاملت را بر من تمام کردی و مرا در هر سال با افزوده‌شدن به وجودم پرورش دادی تا فطرتم کامل شد و تاب و توانم معتدل گشت. حجت را بر من واجب کردی، به اینکه معرفت را به من الهام فرمودی».

هر نظرم که بگذرد جلوه رویش از نظر بار دگر نکوترش بینم از آنکه دیده‌ام

امام حسین علیه السلام در فراز دیگری از دعای عرفه، فطری‌بودن خداپرستی و عالی‌ترین ارتباط انسان با خدا را این‌گونه به نمایش می‌گذارد: «أَيُّكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَى غَبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْإِنَّارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ: <sup>۱</sup> معبودا، آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست تا آن تو را آشکار و ظاهر سازد؟ خدایا، تو کی غایب بوده‌ای که تا نیاز به راهنما و دلیلی باشد که به سوی تو رهنمون گردد؟ و کی دور بوده‌ای تا نشانه‌ها و آثار بندگان را به تو رساند؟».

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را  
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را  
با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم تو را <sup>۲</sup>

امام حسین علیه السلام در این فراز از دعا، معرفت و رسیدن به خدا را به وسیله فطرت زلال انسان روشن می‌کند. این همان از عمق وجود و طینت خداجویی به خدا رسیدن است و مقام سلوک و وصول و شهود و ورود به وادی ایمن الهی را به سالکان حقیقت نشان می‌دهد.

امام سجاد علیه السلام نیز با اشاره به این سخن در دعای «ابوحمزه ثمالی» می‌فرماید: «وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ: <sup>۳</sup> خدایا، تو از مردم پنهان نیستی، اعمال و آرزوها آنان را از تو جدا کرده است».

۱. سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. فروغی بسطامی، دیوان اشعار، غزلیات، غزل شماره ۹؛ در:

<https://ganjoor.net/forooghi/divan-forooghi/ghazalf/sh9>

۳. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۳.

بگذر از خویش اگر عاشق دلباخته‌ای      که میان تو و او جز تو کسی حایل نیست<sup>۱</sup>  
 ندای فطرت به انسان حقیقت‌جو، وجود باری تعالی را در وجود خود انسان بشارت می‌دهد.  
 بر این اساس مولوی به حاجیان راه خدا نهیب می‌زند:  
 ای قوم به حج رفته کجایید کجایید      معشوق همین جاست بیایید بیایید  
 گر صورت بی‌صورت معشوق ببینید      هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما  
 ده بار از آن راه بدان خانه برفتید      یک بار از این خانه بر این بام برآید  
 با این همه آن رنج شما گنج شما باد      افسوس که بر گنج شما پرده شما

### ۵. توبه از گناه، شرط درک حضوری خدا

به‌راحتی می‌توان حجاب‌های گناه و منیت و آلودگی‌های روحی را کنار زد و به خداجویان عاشق پیوست. انسان با توبه نصوح تمام حجاب‌ها را کنار می‌زند و با خدای خود آشتی می‌کند و یکی از سالکان مقرب درگاه حضرت حق قرار می‌گیرد. خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»<sup>۲</sup> ای مؤمنان، به پیشگاه خدا توبه کنید، توبه‌ای خالص [که شما را از بازگشت به گناه بازدارد]؛ امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما محو کند و شما را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، درآورد».

### مقدس اردبیلی و کدخدای فاسق

زمانی اسوه و ارستگان و مجتهد برجسته شیعه، جناب ملا احمد مقدس اردبیلی در نجف اشرف، نامه‌ای از طرف مادرش دریافت نمود که از نجف اشرف به اردبیل برود. ایشان به اعتبار وجوب ادای حق مادرش اجابت نموده، عازم اردبیل شد. وقتی که اهل «نیارق» - زادگاه مقدس اردبیلی - و هم‌ولایتی‌هایش خبر آمدن او را می‌شنوند، با اشتیاق تمام به استقبالش شتافته و کسی در نیارق نمی‌ماند، مگر کدخدای محل که اسمش «کریم» بوده است. کدخدا که اهل فسق و گناه و شراب بوده، به استقبال نمی‌آید که من کجا و مقدس اردبیلی کجا؟! او سپهر و من کف خاک او کجا و من کجا! مقدس اردبیلی بعد از استقرار در منزل مادرش، شبی در عالم رؤیا می‌بیند که

1. <https://www.jamran.news/%D8%A8%D8%A7>.

کدخدا وفات نموده و به او امر می‌شود که کفن و دفن و تشییع جنازه و نماز کریم کدخدا را خودت انجام بده. مقدس از خواب بیدار می‌شود. چون از سابقه کدخدا اطلاع داشت، می‌گوید: حتماً خوابم رحمانی نیست، آخر من چگونه در نمازش بگویم «اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا». بار دوم نیز همین خواب را می‌بیند؛ باز می‌خوابد. بار سوم می‌بیند که می‌گویند کدخدا از دنیا رفت و صبح شده است، برخیز و تجهیز کدخدا را به جا بیاور. اردبیلی از خواب بیدار می‌شود و به قصد وضو بیرون می‌آید. متوجه می‌شود که همسایگان به یکدیگر خبر می‌دهند که کریم کدخدا مرده است. مقدس اردبیلی به صحت خوابش که رحمانی بوده پی می‌برد؛ ولی در تأویل خوابش متحیر می‌ماند. بعد از انجام نماز صبح، مقدس خود به تجهیز و تکفین مبادرت می‌کند و همه از این پیش‌آمد و تشییع و تدفین از سوی مقدس متعجب می‌شوند. مقدس بعد از اتمام تجهیز وی، از زن کدخدا پرسید که حقیقت قضیه چه بوده است و کدخدای معصیت‌کار و دائم‌الخمر چگونه عاقبت‌بخیر شد؟ زن کریم کدخدا پاسخ داد:

جناب شیخ، شوهر من معروف به فسق و فجور بود. شب گذشته در آخرین ساعات زندگی‌اش وقتی تنها ماند و هیچ‌کس به کنارش نیامد و حتی من هم روی برگرداندم، او دلش شکست و حالش منقلب شد و از من التماس نمود که ای زن، من امشب رفتنی هستم، جای مرا در حیاط خانه پهن کن. من به گفته او عمل کردم، دیدم که کریم چشم‌هایش را به طرف آسمان و ستارگان چرخانید و با حالتی مضطرب و چشمان اشکبار توبه نموده و گفت: خداوندا، تو می‌دانی مقدس اردبیلی گناه نکرده است، اگر او را ببخشی، برایت هنری نیست، بلکه هنر آن است که آن خدای کریم، این کریم مجرم و عاصی و فاسق را ببخشد. مقدس اردبیلی، به محض شنیدن این کلمات به زن کدخدا گفت: توبه او قبول شده و رحمت خدا شامل حالش گشته و خدای منان او را بخشیده است.<sup>۱</sup>

دست حاجت چو بری، پیش خداوندی بر      که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود

بین انسان و خداوند هرگز فاصله‌ای نیست؛ مگر اینکه انسان خود با اعمال نادرست فاصله ایجاد کند. امام سجاد (علیه السلام) در مناجات خود فرمود: «أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَ أَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالُ السَّيِّئَةُ دُونُكَ»<sup>۲</sup> بارالها، مسافر کوی تو راهش نزدیک

۱. فخرالدین موسوی اردبیلی، تاریخ اردبیل و دانشمندان، ج ۱، ص ۶۲؛ محمد امینی گلستانی، گلستان سخنوران، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. دعای ابوحمزه.



است و این تو نیستی که از آفریدگانت در پرده‌ای، بلکه اعمال زشت خود آنان است که حجاب میان آنها و تو شده است».

بنابراین اگر حجابی هست، خود ایجاد کرده‌ایم و باید آنها را کنار زنیم تا خدا را در وجود خویش بباییم.

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجابِ خودی حافظ از میان برخیز برای کسی که سالکِ اِلَی الله است، به بارگاه الهی بیش از یک قدم فاصله نیست؛ یعنی باید روی خواسته‌ها و هوای نفس خود پا بگذارد. وقتی انسان روی هوای نفس خود پا گذاشت، گام دوم را در دالان توحید می‌نهد. یک قدم بر خویشتن نه و آن دگر در کوی دوست! خدای متعال می‌فرماید: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۱</sup> ما به انسان از رگ گردن نزدیک‌تریم». در این آیه به احاطه وجود و قیومیت حق تعالی اشاره شده است؛ یعنی چون وجود و هستی انسان به دست خداست، به این لحاظ خدا به وی نزدیک‌تر از رگ حیات اوست. امام خمینی؛ در کتاب چهل حدیث معتقد است عشق به کمال مطلق در انسان وجود دارد و کمال مطلق، بی‌تردید مبدأ هستی است.<sup>۲</sup>

### کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، توحید، قم: نشر اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۲. امینی گلستانی، محمد، گلستان سخنوران، قم: سپهر آذین، ۱۳۹۳ ش.
۳. خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴ ش.
۴. سید بن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۹۱ ق.
۶. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۷. قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه محمد بن نعمان، شرح الاخبار، قم: نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.

۱. ق: ۱۶.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۸۴.

۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. مطهری، مرتضی، عقاید اسلامی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، المبدأ و المعاد، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش.
۱۲. موسوی اردبیلی، فخرالدین، تاریخ اردبیل و دانشمندان، اردبیل: نشر شیخ صفی‌الدین، ۱۳۷۸ ش.